

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مسیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترق

روزنامه

دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۴ • ۸ شوال ۱۴۴۶ • ۷ مارس ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۸۰ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۶ • اذان مغرب ۱۸:۴۹ • اذان صبح فردا ۴:۱۴ • طلوع آفتاب ۵:۴۱



تعمیرات نوروز به پایان رسیده، اما ردیاب مسافران در طبیعت کیلان به شکل زباله‌های پراکنده باقی مانده است. بحران مدیریت پسماند سال‌هاست که این استان را درگیر کرده و کارشناسان، آن را بزرگ‌ترین تهدید زیست‌محیطی منطقه می‌دانند. ورود میلیون‌ها مسافر در ایام تعطیلات، حجم زباله‌های تولیدشده را چند برابر کرده است. عکس: مجتبی محمدی، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

بودجه مراقبت از میراث فرهنگی صرف چه کاری شد؟

نگهبانان میراث فرهنگی غایب، حجاب بانان حاضر!

فرزانه احمدی: فیلمی به تازگی در فضای مجازی به عنوان مصداق بی‌فرهنگی منتشر شده است. مردی بر روی دیوار طبقه دوم سی‌وسه پل اصفهان یادگاری می‌نویسد و هیچ نگهبانی برای تذکر به او وجود ندارد. کاربران شبکه‌های اجتماعی با انتشار این فیلم به عملکرد میراث فرهنگی اصفهان در زمینه حفاظت از آثار نقد کرده‌اند. این فقط یکی از موارد خسارت به آثار باستانی اصفهان است. به برخی اتفاقات دیگر هم اشاره می‌کنیم.

●●●

مشاهدات خبرنگار «شرق» در شب چهارشنبه‌سوری هم حاکی از آن است که عده‌ای با انفجار مواد محترقه، سلامت پل‌های تاریخی را به خطر انداخته‌اند اما نگهبان کافی برای جلوگیری از این وضعیت وجود نداشته است. در نوروز ۱۴۰۴ در ورودی بیشتر آثار تاریخی اصفهان حجاب‌بان‌ها مستقر بودند و هیچ زنی بدون حجاب مدنظر این افراد اجازه ورود به آثار تاریخی را نداشت. این حجاب‌بان‌ها به حدی در کار خود سختگیر بودند که حتی در مواردی با مردم درگیر شدند و فیلم‌های منتشرشده از چهلستون اصفهان نشان داد که آنها چند زن را از مجموعه چهلستون بیرون کردند بدون اینکه به آنها اجازه بازدید بدهند. با افزایش تعداد



این تصاویر کاربران معتقدند اداره میراث فرهنگی اصفهان وظیفه اصلی یعنی حفاظت از آثار تاریخی را فراموش کرده و بودجه‌ای را که باید برای استخدام نگهبان برای جلوگیری از دیوارنویسی و تخریب آثار در نوروز صرف می‌کرد، برای مورد دیگری صرف کرده است.

نهادهای استان با میراث فرهنگی همکاری نمی‌کنند

مدیر روابط عمومی اداره میراث فرهنگی اصفهان پاسخ به سؤال خبرنگار «شرق» درباره وضعیت دیوارنویسی بر آثار تاریخی اصفهان و نبود محافظ کافی گفت: «بارها و بارها بحث دیوارنویسی مطرح شده است. در شهر اصفهان پنج پل تاریخی وجود دارد که به عنوان معبر شهری مورد استفاده عموم مردم است». شهرام امیری ادامه داد: «این پل‌ها به دلیل اینکه معبر هستند در اختیار اداره میراث فرهنگی اصفهان نیستند که بتوانیم از آنها محافظت مستقیم کنیم. ما کالبد آنها را حفاظت و مرمت می‌کنیم و تمام هزینه‌های نگهداری بر عهده اداره میراث است اما به طور مستقیم نمی‌توانیم از آن حفاظت کنیم». او اذعان کرد: «ما بارها از مدیریت شهری اصفهان درخواست کرده‌ایم که در این حفاظت به ما کمک کند اما متأسفانه

اقدام پیشگیرانه در پل‌ها مستقر کردیم. با این حال متأسفانه شاهد بودیم که عده‌ای در بستر زاینده‌رود و در نزدیکی پل‌ها آتش روشن کردند که این بستر در اختیار ما نیست و در اختیار شهرداری و آب منطقه‌ای است». او بیان کرد: «در تمام آثار تاریخی مانند مساجد که در اختیار ماست حفاظت شیشه‌ای نصب شده و چند سال است حتی آسیب کوچکی به بدنه این بناها وارد نشده است».

بودجه حجاب‌بان‌ها را چه کسی تأمین کرد؟

او درباره حضور حجاب‌بان‌ها در آثار تاریخی گفت: «حجاب‌بان‌ها از نیروی انتظامی نبودند بلکه از ستاد امر به معروف و نهی از منکر آمده بودند. ما برای دو هفته عید با آنها قرارداد بسته بودیم تا در بناهای تاریخی مستقر شوند». در پاسخ به سؤال خبرنگار «شرق» درباره اینکه اگر اداره میراث امکان همکاری با نهادهای دیگر برای حضور حجاب‌بان‌ها را دارد، پس می‌تواند برای حفاظت از آثار هم با نهادهای انتظامی همکاری کند، گفت: «این افراد دو هفته حضور داشتند، اما ما بودجه اضافه نداریم تا بتوانیم بناهایی که به طور کامل در اختیار ما نیستند را همیشه کنترل کنیم». او ادامه داد: «به اندازه دو هفته از ستاد سفرهای نوروزی

برای نیروهای حجاب‌بان بودجه گرفته شده بود ولی برای حفاظت از پل‌های تاریخی در تمام سال نیاز به بودجه زیادی است». امیری گفت: «زمانی که رودخانه خشک است متأسفانه انواع آلودگی‌ها در زیر سی‌وسه پل وجود دارد. عده‌ای آنجا اتراق می‌کنند، حتی به عنوان سرویس بهداشتی از آن استفاده می‌کنند و خرید و فروش مواد مخدر هم انجام می‌شود. ما این موارد را به نهادهای مختلف اعلام کرده‌ایم اما وقتی با ما همکاری نمی‌کنند، نمی‌توان پل‌ها را که روزانه چند صد هزار نفر از روی آن عبور می‌کنند، کنترل کرد». او ابراز امیدواری کرد با استاندار جدید که مدیر میراث‌دوستی است اقدامات جدیدی انجام شود.

بی‌تفاوتی به سخنان رئیس جمهور

با این حال حضور حجاب‌بان‌ها در ورودی آثار تاریخی اصفهان در حالی است که رئیس‌جمهور پیش از این بارها بر جمع‌آوری کثرت ارشاد و حجاب‌بان‌ها تأکید کرده است. به‌نظر می‌رسد در اصفهان عده‌ای اختیارات خود را فراتر از رئیس‌جمهور کشور می‌دانند و تصمیماتی بالاتر از دستورات او می‌گیرند و پرسشش این است که چرا رئیس‌جمهور در برابر این نقض آشکار دستور خود در اصفهان ساکت است؟

هنرخوانی

۵۰ سال هنر سیاه‌پوستان در پاریس



کاربدین: نمایشگاهی بزرگ با عنوان «از تسکیا تا دلینی: درون پاریس سیاه» در مرکز فرهنگی پومپیدو برگزار شده است. رویدادی که به مناسبت پنجاهمین سال هنر سیاه در پایتخت فرانسه، به مرور آثار هنرمندانی از سراسر جهان می‌پردازد. جیسن آکوندای، گزارشگر این رویداد، می‌نویسد: «پایان هفته را در فرانسه گذراندم تا از نمایشگاه Paris Noir در مرکز پومپیدو دیدن کنم؛ سفری بصری از میان نسل‌های هنرمندان سیاه‌پوست از گوشه‌وکنار جهان که در پاریس سکونت گزیدند».

بازدیدکنندگان در ابتدای نمایشگاه با تصویر پرنفوذ پرتره خودنگار ژرار سکوتو، هنرمند اهل آفریقای جنوبی، مواجه می‌شوند. تابلویی مدرنیستی و اکسپرسیونیستی با رنگ‌های متضاد و جسورانه که حس ناآرامی، تأمل و وقار را بازتاب می‌دهد. این نقاشی در سال ۱۹۴۷، فقط چند روز پیش از تبعید خودخواسته سیاسی‌اش از آفریقای جنوبی و عزیمت به لندن خلق شده بود. او همان سال وارد پاریس شد و در شرایط دشوار، به عنوان نوازنده جاز و خواننده آوازهای مذهبی سیاهان مشغول به کار شد.

در این نمایشگاه، بیش از ۳۵۰ اثر از ۱۵۰ هنرمند سیاه‌پوست به نمایش درآمده که بسیاری از آنان همانند سکوتو، از ایالات متحده، کارائیب، آمریکای جنوبی و آفریقا به پاریس آمده‌اند تا در این شهر، پناهگاهی برای آفرینش هنری بیابند. وسعت نمایشگاه چشمگیر است و جریان‌های چون سوررئالیسم آفری-آتلانتیک و هم‌گرایی هنری پاریسی را در بر می‌گیرد.

از جمله آثار شاخص نمایشگاه می‌توان به اسناد و اشیای فرهنگی وابسته به مجله کاربدین: نمایشگاهی بزرگ با عنوان «از تسکیا تا دلینی: درون پاریس سیاه» در مرکز فرهنگی پومپیدو برگزار شده است. رویدادی که به مناسبت پنجاهمین سال هنر سیاه در پایتخت فرانسه، به مرور آثار هنرمندانی از سراسر جهان می‌پردازد. جیسن آکوندای، گزارشگر این رویداد، می‌نویسد: «پایان هفته را در فرانسه گذراندم تا از نمایشگاه Paris Noir در مرکز پومپیدو دیدن کنم؛ سفری بصری از میان نسل‌های هنرمندان سیاه‌پوست از گوشه‌وکنار جهان که در پاریس سکونت گزیدند».

بازدیدکنندگان در ابتدای نمایشگاه با تصویر پرنفوذ پرتره خودنگار ژرار سکوتو، هنرمند اهل آفریقای جنوبی، مواجه می‌شوند. تابلویی مدرنیستی و اکسپرسیونیستی با رنگ‌های متضاد و جسورانه که حس ناآرامی، تأمل و وقار را بازتاب می‌دهد. این نقاشی در سال ۱۹۴۷، فقط چند روز پیش از تبعید خودخواسته سیاسی‌اش از آفریقای جنوبی و عزیمت به لندن خلق شده بود. او همان سال وارد پاریس شد و در شرایط دشوار، به عنوان نوازنده جاز و خواننده آوازهای مذهبی سیاهان مشغول به کار شد.

در این نمایشگاه، بیش از ۳۵۰ اثر از ۱۵۰ هنرمند سیاه‌پوست به نمایش درآمده که بسیاری از آنان همانند سکوتو، از ایالات متحده، کارائیب، آمریکای جنوبی و آفریقا به پاریس آمده‌اند تا در این شهر، پناهگاهی برای آفرینش هنری بیابند. وسعت نمایشگاه چشمگیر است و جریان‌های چون سوررئالیسم آفری-آتلانتیک و هم‌گرایی هنری پاریسی را در بر می‌گیرد.

از جمله آثار شاخص نمایشگاه می‌توان به اسناد و اشیای فرهنگی وابسته به مجله

۲.۸ میلیارد لیتر

سختگوی صنف جایگاه‌داران خیر داد براساس آخرین آمارها، در مجموع دو میلیارد و ۸۲۳ میلیون و ۶۰۰ هزار لیتر بنزین در کشور توزیع شد که این مقدار در مقایسه با رقم دو میلیارد و ۴۶۳ میلیون لیتر در مدت مشابه پارسال (۲۵ اسفند ۱۴۰۲ تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۳) حدود ۱۵ درصد رشد داشته است. بیشترین آمار مصرف بنزین به روزهای ۲۹ اسفند ۱۴۰۳ با مصرف ۱۶۴ میلیون و ۴۰۰ هزار لیتر بود.

یک میلیون کودک

صندوق کودکان سازمان ملل متحد نسبت به وخامت روزافزون اوضاع انسانی در غزه هشدار داد و اعلام کرد جان حدود یک میلیون کودک در این باریکه در معرض تهدید جدی قرار دارد. یونسف همچنین از نبود غذا، آب و اقلام دارویی حیاتی، خبر داد و خواستار ازسرگیری فوری توافق آتش‌بس شد تا مسیر ارسال کمک‌ها و خدمات حیاتی دوباره هموار شود.

آکادمی

شرم



بابک زمانی

نورولوژیست

سال کاری ۱۴۰۴ با یک خبر تأسف‌آور شروع شد. خانم دکتر جوان دستیار سال آخر رشته زنان در شهر تبریز مشکلات را طاققت نیاورد و به زندگی پشت کرد. آخرین نوشته‌های که از او در فضای مجازی باقی مانده، شرح درد‌های عمیقی است که یک انسان حساس با روحی لطیف را به شدت می‌آزارد؛ انسان باشعوری که علاقه‌مند می‌اندیشد و عاقلانه آرزو می‌کند، اما رویایش دست‌نیافتنی از کار درمی‌آید. انسان کوشایی که هیچ از تلاش فروغی‌گذارد در شهری دیگر، اگر نه متخاصم بلکه حداقل رقیب شهر خود. ادامه تحصیل می‌دهد. اما احساس می‌کند تلاش‌هایش مانند تلاش‌های انسانی است که در خواب می‌دود اما هیچ‌گاه نمی‌رسد. سرانجام تن او توان تحمل باری را که حاصل تناقضات و مشکلات متعدد اجتماعی است، از دست می‌دهد.

دستیاری از ابتدا نوعی طبابت از نوع بهتر آن، علمی و آموزشی، به نظر می‌رسید اما این‌طور نبود. بیگاری دشواری بود در شرایطی دشوارتر با روابطی کاری که بیشتر روابط بین افسران و درجه‌داران را به ذهن می‌آورد تا روابط بین همکارانی که حین کار آموزش هم می‌دهند. با مسئولیت‌هایی سنگین برای کارهای درمانی دشواری که معیارهای اخلاقی و قانونی آنها هنوز در کشور جا نیفتاده است. ابهامات و تنازعات درباره اجازة و تصمیم بین سزاین یا زایمان طبیعی در کشور به‌شدت ادامه دارد.

موازین علمی گاه می‌موازین قانونی در تضاد قرار می‌گیرند. محدودکردن سزاین برخلاف نظر متخصصان ممکن است عوارضی را حین زایمان طبیعی باعث شود که اگر رخ داد و کودکی ناقص به دنیا آمد، نه آن کسی که در جایگاه چنین تصمیمات مهمی است، بلکه دستیاری که تازه سال دوم آموزش را آغاز کرده، مسئول است. او که به‌عنوان دانشجوی حداقل حقوق کارگران هم برخورداری نیست، به‌عنوان طبیب، مسئول است، به کاری مشغول است که توانایی طبابت و شماره نظام پزشکی می‌خواهد. دادگاه هم او را به‌عنوان طبیب مسئول می‌شناسد، حتی زمانی که آشکارا سیستم مسئول است. او که به‌تازگی به هنگام تعهد دستیاری برای اولین بار با سفته و چک و محضر و اعداد و ارقام آشنا شده، خانواده‌ای را زیر بار تعهدات سنگین برده، حالا یک بار دیگر با مبالغی هنگفت روبه‌رو می‌شود که باید با دست خالی یا از خانواده‌ای که تنها امیدشان همین دختر تحصیل‌کرده است، فراهم کند. ورای مسائل مادی، چه دشوار و خردکننده است تحمل ناامیدی، زمانی که این روح لطیف را مسئول نقص عضو انسانی برای تمام عمر به حساب آوریم و براساس این مجازات کنیم. چه درد عمیقی باید هر لحظه تا پنج‌سالگی کودک تجربه کند و چه اشک‌ها که حتی امکان فروریختن پیدا نکنند. اشک‌های روح پاک و بی‌گناهی که فرو می‌ریزند. دختر جوانی که قرار شد با کار بی‌مزد سوراخ‌سینه‌های سیستم بحران‌زده سلامت کشور را سامان دهد حالا باید جور عوارضی را که هزاران عامل دیگر دارد هم برای ما بکشد. حتی اگر دستیار، آنکه آموزش می‌بیند، خطایی مرتکب شود، آیا خود او مسئول است یا سیستم آموزشی‌ای که او را به کار گرفته؟ بیمارستان‌های آموزشی در قطع کامل ارتباطات بین‌المللی که باعث شده شیوه درست به کلی فراموش شود، در منتهای تنگدستی، با کمبود هیئت علمی و متخصص برای تمام ساعات شبانه‌روز، با بخش‌های شلوغ، کثیف، خوابگاه‌هایی که گویا تنها برای تولید خاطرات دردناک مهیا شده‌اند، تعداد اندک پرستار و دارو و تجهیزات و... و هزار مشکل دیگر که محیطی دشوار برای طبیب و پرعارضه برای بیمار می‌آفرینند. و کسی که در نهایت باید دبه این‌همه نابسامانی را بپردازد، دختر جوانی است که خود قربانی همین سیستم است. سیستمی که قادر نیست حتی با این‌همه تجارب تلخ تغییری بسیار کوچک، اما اساسی در چارچوب‌ها و گفتمان خود ایجاد کند. و با تقلیل موضوع به یک مسئله اداری و اقتصادی بر امواج ناامیدی می‌افزاید. راستی آیا شرم می‌دانیم چیست؟ شرم گاه مایه امیدواری است!